

سطح یک جلسه اول

* نکته : روش تدریس و انتقال طرح شهید چمران (رضوان الله علیه) اینگونه است که دوستان حاضر در سطح یک ، پس از گذراندن این سطح و ورود به سطح دوم ، می‌توانند خود بعنوان مدرس فعال شوند ؛ بدین ترتیب که تعدادی محدود از دوستان خود را که زمینه پذیرش دارند ، جمع‌آوری کرده و به انتقال مطالب آموخته در سطح یک مشغول شوند (که در اینجا همین کار را می‌توانید با بحثی که بعنوان دیباچه گذشت انجام دهید).

چنین سبکی از نظام آموزشی حوزه‌های علمیه گرفته شده ؛ که در آن طلاب فارغ‌التحصیل سطوح بالاتر ، مدرس یا مشاور طلاب سطوح جدید و پایین‌تر می‌شوند ؛ این سبک امتیازات فراوانی دارد که به چند مورد آن به اختصار اشاره می‌کنیم و به دوستان عزیز توصیه می‌شود درباره سایر محاسن چنین نظام آموزشی تأمل بفرمایند ؛ این امر به موفقیت بیشترمان هم کمک می‌کند.

اولا فردی که سطح یک را شروع می‌کند ، چون می‌داند بزودی پس از چهار جلسه باید خودش مدرس مباحث شود ، به نوعی مجبور می‌شود بیشتر و بهتر مسائل را پیگیری کند ؛ مطلب دوم اینکه پس از فراغت از سطح یک ، همزمان با تدریس آن به جدیدالورودها یک سری توانمندی‌های جدید در خود کشف می‌کند ؛ مطلب سوم اینکه بتدریج با نقایص خود چه در فهم مطلب و چه در انتقال مطلب پی می‌برد و همین هم باعث خواهد شد بتدریج اطلاعاتش را کامل کرده و برای سطوح بالاتر آمادگی بیشتری کسب نماید ؛ مابقی فواید به دوستان عزیز واگذار می‌شود.

با این مقدمه و به یاری خدای متعال سطح یک را شروع می‌کنیم .

همانطور که می‌دانیم قبل از ظهور اسلام ، تمدن غالب در دنیا تمدن یونان بوده که دانشمندان بزرگی چون افلاطون ، ارسطو و ... فیثاغورث یادگاران و شاخص‌های آن تمدن بوده‌اند و در علوم مختلف نظری و عملی دارای سبک ها ، نظریات و اندیشه‌های عمیق و مفصلی بوده‌اند.

بعد از ظهور اسلام ، بتدریج دامنه علمی و تمدنی اسلام بروز و ظهور پیدا کرده و در مواجهه با این تمدن غالب ، به فتوحاتی رسید که پس از تقابل‌های متعدد ، دامنه تمدنی آن پررنگ‌تر از تمدن یونان شده و به تمدن غالب در کل دنیا تبدیل شد.

این دوران که به دوران طلایی تمدن اسلامی در تاریخ شهرت یافته ، حدود ششصد سال بطول انجامید که خود منشأ خیرات و برکات بسیاری در علوم مختلف شد ؛ علومی که بعضی از آنها بوسیله تمدن یونان به کمال رسیده بودند و بعضی‌ها نیز ابداع ، اختراع یا کشف خود دانشمندان اسلامی بوده است.

پس از این مدت طولانی ، قدرت‌طلبان جهانی در فکر براندازی این تمدن بودند ؛ که با وجود تلاش‌های گسترده و چند ده‌ساله موفق نمی‌شدند ؛ تا اینکه بتدریج و با نفوذ در لایه‌های مدیریتی آن تمدن بزرگ و درخشان و نیز استفاده از عناصر شهوت ، شرب خمر و ... توانستند پایه‌های این تمدن را تضعیف کنند و نهایتاً موفق شوند نیت شوم خود را عملی کرده ، آن تمدن بی‌نظیر را نابود کنند (با همه آثار علمی و عملی خود) و پس از جنگ‌های مشهور صلیبی ، دورانی بسازند

بنام عصر رنسانس که خود مبدأ پیدایش تمدن غرب کنونی شد. (توصیه می شود ماجرای آندلس را دوستان مطالعه کنند).

پس از شکل‌گیری تمدن غرب و به افول رفتن تمدن اسلامی ، بواسطه حذف عملی آن تمدن ، جلوه‌های علمی و عملی تمدن جدید در لایه‌های مختلف کشورهای دنیا ظاهر شد و روزبه‌روز بیشتر و بیشتر گردید ؛ مظاهری چون وجود آمدن صنایع بزرگ ، پیشرفت در علوم مختلف مهندسی ، صنایع ، نظامی ؛ ساخته شدن شهرها و شهرکهای بزرگ با ساختمان‌ها و تاسیسات پیشرفته.

اما با تحلیل رفتن مبانی اخلاقی ، اعتقادی ، عاطفی ، خانوادگی و انسانی ، روز به روز دچار بحرانهای اساسی و اجتماعی خرد و کلانی شد ؛ که البته بواسطه تسلط این تمدن بر رسانه‌های جهان شمول خود ، تا جایی که توانستند زیبایی‌های این تمدن را به رخ جهانیان کشیدند و نقایص و پیامدهای منفی تمدنی خود را از چشم مردم دنیا مخفی کردند.

بتدریج این تمدن نیز در میان خود به چند قدرت جهانی تقسیم شد و نهایتاً به دو قطب شرق و غرب تقسیم شد ؛ که رهبری بلوک شرق را شوروی سابق و رهبری بلوک غرب را آمریکا بدست گرفت و اساساً دنیا را اینچنین میان خود تقسیم کردند ؛ تا جایی که هیچ کشوری در دنیا قدرت عرض اندام نداشت ؛ مگر اینکه زیر چتر یا سلطه یکی از این دو قدرت باشد و جهان سال‌های سال با این روش مدیریت می‌شد ؛ تا اینکه در سال 1357 شمسی ، مصادف با 1979 میلادی (1400 قمری) ، نظامی در ایران روی کار آمد که اصلی‌ترین شعار خودش را گذاشت : " نه شرقی ، نه غربی ؛ جمهوری اسلامی " ؛ یعنی ما می‌خواهیم بدون وابستگی به قدرتهای مادی جهان ، براساس آنچه دینمان صلاح می‌بیند عمل کنیم و زیر بار زور و تحکم حکومتی جز الله نباشیم.

لذا چون این شعار از یکطرف پشت کردن به قدرتهای تراز اول دنیای آن روز بود و از طرفی می‌توانست نقطه شروعی باشد برای خروج سایر کشورها از حاکمیت ظالمانه این دو امپراطوری ، هر دوی این قدرتها بر آن شدند به هر قیمتی که شده ، نگذارند این نظام پا بگیرد و شد آنچه شد.

اما این نظام تازه تأسیس و نوپا به تنهایی در برابر همه ادعاها و جنایتهای آنها ایستاد و تا امروز که بیش از چهل سال ، مقتدر و مقاوم ایستاده از آرمان‌های خود و کلام خود عدول نکرده و برعکس ، آن دو قدرت جهانی یکی حذف شده و دیگری هم روزبه‌روز رو به افول است (و در ماجرای کرونا این ورشکستگی به ظهور بیشتر و عمیق‌تری رسیده است) و این یعنی اینکه تمدن جدیدی در حال شکل‌گیری است ؛ آنها با علمداری دین مبین اسلام.

لذا وقتی می‌شنویم ما در یک پیچ تاریخی قرار گرفته‌ایم ، منظور تغییر مسیر تاریخ است که سالهای سال بواسطه قدرتهای مستکبر دنیا ، به انحراف کشیده شده و عموم مردم دنیا مورد ظلم و تعدی این قدرتها قرار گرفته بودند و حالا با نظامی در ایران مواجه هستیم که علمدار اصلاح این رویه باطل جهانی است و در این میان ، نسل ما در اول چله دوم انقلاب قرار گرفته است (!) ؛ یعنی زمانی که تازه می‌بایست تجربه‌های تلخ ، شیرین و متنوع چله اول انقلاب را با هوشیاری و همکاری بیشتر بکار بگیریم .

از طرفی همواره انقلاب اسلامی بر دوش جوانان طی مسیر کرده و مقتدرانه پیش رفته است ؛ و نیز دوره جوانی ما در بهترین زمان از کل عمر انقلاب اسلامی واقع شده است

(الحمدلله) ؛ حال برای خدمت به اسلام و انقلاب در چله دوم نظام (که درحقیقت خدمت به خودمان خواهد بود) می‌بایست همه فعالیتها براساس بیانیه گام دوم تبیین و طراحی شوند ؛ تا بقول رهبری عزیز ، بدون خیانت به آرمانها و اصول ، بتوانیم جامعه و تمدن اسلامی را بدست بیاوریم و این امر هم محقق نخواهد شد مگر بواسطه تسلط به تحلیل بیانیه و کاربردی کردن محورهای آن ؛ که امروز توفیق این کار بر عهده ما جوانان گذاشته شده است : " انا هدیناه السبیل ؛ اما شاکرا و اما کفورا " .

لازم است بدانیم انقلاب اسلامی دارای ابعاد مختلفی است که می‌توان از زوایای مختلف بدانها پرداخت و به همین دلیل هر کسی می‌تواند در به ثمر رساندن آن نقشی ایفا کند ؛ که لازمه‌اش این است ابتدا خود و جایگاهش را بشناسد و سپس با توکل بر خدای متعال ، پای در این راه و جهاد مقدس بگذارد.

اگر ما بخواهیم یک ساختمان بزرگ چند طبقه را بسازیم قاعدتاً یک شبه و یکدفعه نمی‌توان آنرا ساخت ؛ بلکه زمان لازم و خاص خود را می‌طلبد ؛ از جمله اینکه ابتدا باید پی‌ها و فونداسیونها و سپس ستونها و سقفهای این بنا را بصورت اصولی و با حوصله ساخت و سپس سراغ نازک کاریها رفت و به ساخت آنها اقدام کرد .

همانطورکه گفته شد جمهوری اسلامی ، اولین گام در جهت تأسیس تمدن اسلامی است و چون دامنه این تمدن ، جهانی و زمینه‌ساز ظهور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) می‌باشد ، لذا برای ساخت آن نیاز است ابتدا سفت کاریهایش را بنحو احسن انجام داد و سپس سراغ نازک کاریهای آن رفت.

بنظر می‌رسد آنچه در چله اول انقلاب انجام شده ، عموماً کارهای سفت‌کاری و اساسی این بنای محکم بوده ؛ که با شروع چله دوم انقلاب بتدریج می‌بایست وارد فاز دوم کار یعنی نرمه کاری و نهایتاً نازک کاری شویم و بتوانیم با تشکیل دولت اسلامی و سپس جامعه اسلامی به این مهم برسیم؛ ان شاءالله.

اما چگونه می‌توان سراغ نازک کاریها رفت ؟!

برای تحقق چنین امری لازم و بلکه ضروری است انسان‌هایی تربیت کنیم که درعین کلی نگری و تحلیلی در سطح کلان ، ریزین بوده و بتوانند تحلیل‌های خرد هم در رشته‌های تخصصی خود داشته باشند ؛ اما چنین انسان‌هایی چگونه ساخته می‌شوند ؟!

بنظر می‌رسد برای اینکار باید یک بازنگری مجدد در اصول اسلام و انقلاب بوجود آورد ؛ تا افراد مبانی نظری و عملی خود را بر اساس آن چیده و سپس بتوانند مسائل جاری و آتی کشور ، ملت ، امت و حتی مستضعفین جهان را برنامه‌ریزی کرده ، حل و فصل نمایند.

بر این اساس طرح شهید چمران (رضوان‌الله‌علیه) را طراحی کرده‌ایم که به فضل پروردگار در حد خودمان تلاشی کرده و گامی هرچند کوچک در این راه سراسر افتخار برداریم.

در این سطح می‌خواهیم نگاهی دوباره داشته باشیم به بعضی از اصول اسلام و انقلاب ؛ تا آنها را با نگاهی جدید و البته بروز و کاربردی ، تحلیل کرده بصورت مطالب جدید و جذاب در بیاوریم ؛ که قاعدتاً اینها بعنوان نمونه مباحث خواهند بود و با هدف فتح بابی صورت می‌گیرد جهت مطالعات دقیق‌تر ، علمی‌تر و ان‌شاءالله عملیاتی تر توسط دوستان علاقمند.

از آنجا که دستورات اسلام از ناحیه حکمت و علم بی‌پایان الهی صادر شده ، لذا دارای ابعاد و زوایای بی‌نهایتی هستند که هم شامل حکمتها و هم شامل علوم می‌شود ؛ بر همین اساس در طول زمان‌های گذشته و حتی چهل سال اول انقلاب ، بعضی از این سری زوایا مطرح و درباره آنها بحث و تأمل شده است ؛ از جمله اینکه مثلاً آثار و برکات نمازخوان بودن مردم چیست ؟ ؛ که معمولاً گفته می‌شود اگر همه مردم نمازخوان باشند بسیاری از مشکلات مادی و معنوی جامعه حل خواهند شد ؛ بسیاری از گرفتاری‌ها بوجود نخواهند آمد ؛ برکات آسمانها و زمین ظاهر خواهند شد و

این مطالب درست هستند ؛ چراکه هم عقل ، هم آیات و هم روایات زیادی این سری برکات و نتایج را تایید می‌کنند ؛ اما مسئله‌ای که گاهی از آن غفلت می‌شود اینست که اگر در شهری هیچکس به غیر از یک نفر نماز نخواند ، در آنصورت با این تحلیلها چکار کنیم ؟!

بعبارتی برکات آورده شده در بالا ، با این فرض است که همه یا بیشتر مردم نمازخوان باشند؛ مخاطب نیز همراه ما آن تحلیلها را می‌پذیرد ؛ اما زمانی که از مجلس بیرون می‌آید و عملاً می‌بینید بسیاری از اطرافیانش نماز یا سایر احکام دین را بجا نمی‌آورند ، چه احساسی غیر از سرخوردگی و یأس خواهد داشت ؟!

لذا بنظر می‌رسد جای مباحثی اینچنینی در جامعه خالی باشد ؛ که ببینیم اگر فردی به‌تنهایی نمازخواند ، چه آثار و برکاتی در همین دنیا می‌تواند برایش داشته باشد ؟!

* نکته : اینکه به زوایایی از مباحث ، در عمر چهل ساله ایران اسلامی و حتی قبل‌تر از آن پرداخته نشده باشد چیز عجیبی نیست ؛ چراکه گاهی تا کلیات مسائل مطرح و تثبیت نشود ، پرداختن به جزئیات آن میسر نمی‌باشد ؛ بنابراین باید پذیرفت در چله اول انقلاب ما توانسته‌ایم تنها کلیاتی از اسلام و انقلاب را تثبیت کنیم و در چله دوم می‌بایست بتدریج وارد ریز مباحث مبتلابه جامعه شده ، هم برای خود و هم برای جامعه و حتی سایر جوامع ، راهکارهای اصیل ، اسلامی و انسانی پیدا کنیم .

در اینجا بعضی از آثار و برکات فردی و دنیوی نماز خواندن را برمی‌شماریم.

فرض کنیم در داخل یک شهر ، یک نفر به‌تنهایی می‌خواهد نماز خوان باشد (فعلاً به نتایج اخروی آن کار نداریم) می‌خواهیم مقداری در حوزه دنیوی ، تاملی در برکات این دستور الهی کنیم ؛ که گفته شده در روز قیامت اولین چیزی که از انسان سؤال می‌شود نماز است ؛ اگر قبول شود سایر اعمال و عبادات هم قبول خواهند شد وگرنه مابقی اعمال هم مقبول نخواهند شد !

همانطور که می‌دانیم ، این دستور الهی دارای تأثیرات بیشمار و از جمله فردی متعددی در حوزه‌های اجتماعی ، روانی ، اقتصادی ، سیاسی و ... حتی خانوادگی خواهد بود ؛ که در اینجا به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

تصور کنید در جامعه پر استرس و پر آشوبی که داریم ، بسیاری از مردم خواه ناخواه دچار نگرانی هستند ؛ چراکه دچار بمباران اطلاعاتی هستیم و این اطلاعات ، تعدادی شخصی و خانوادگی هستند ؛ تعدادی منطقه‌ای و تعدادی هم جهانی هستند و بسیاری از اینها هم برایمان تنش روحی ایجاد می‌کنند و در جامعه‌ای که مردمش عموماً با استرس مواجه هستند ، اولین کاری که نوعاً انسان انجام می‌دهد دنبال محل یا وسیله آرامش می‌گردد.

گفته شده یکی از ریشه‌های کلمه انسان ، انس می‌باشد ؛ یعنی عادت دارد که با یک جایی انس بگیرد و یکی از دلایلی که انسان می‌خواهد انس بگیرد اینست که می‌خواهد خلأهای خود را پر کند ؛ مثلاً اگر دچار هیجان شدیم ، باید جایی را پیدا کرده و آن هیجان را خالی کنیم .

همین الان اگر از بسیاری افراد موفق جامعه که نوعاً در رسانه‌ها هم معرفی می‌شوند ، پرسند جناب آقا یا خانم فلانی که موفق بوده اید ، شما وقتی دچار استرس ، ناامیدی و غیره می‌شوید چکار می‌کنید ؟! خیلی‌ها می‌گویند می‌رویم ورزش می‌کنیم ؛ شنا می‌کنیم ؛ موسیقی گوش می‌دهیم ؛ قدم می‌زنیم و غیره . اما اسلام نظرش در این مورد چیست ؟!

(اگرچه اسلام با راهکارهایی شبیه آنچه گذشت مخالف نیست ، اما) یکی از نتایج عمومی و تجربه دمدستی و اولیه درباره نماز ، همین آرامشی است که به انسان می‌دهد ؛ یعنی با کمترین هزینه‌ها ، بیشترین بهره‌ها را به انسان می‌بخشد ؛ آنهم با حداقل تمرکز ، علم ، عرفان ، تقوی و آنچه برای نماز خواندن لازم داشته باشیم ؛ که به هر نسبت مقدمات (و حتی مؤخرات) نماز را بیشتر رعایت کرده باشیم ، آثار و برکات آن آرامش ، برای انسان ماندگارتر خواهد بود ؛ یعنی برای ما انسان‌های عادی تا حدود نیم ساعت بعد از نماز یک فضای آرامش‌بخش نسبی ایجاد می‌کند که لذتبخش هم هست ؛ و احساس سبکی خاص به روح انسان دست می‌دهد ؛ حال اگر قوی‌تر باشیم و بیشتر مراقبه داشته باشیم مثلاً ماندگاری آن می‌شود دو ساعت ؛ اگر قوی‌تر باشیم بیشتر می‌شود و بعضی‌ها آنقدر قوی می‌شوند که از این نماز تا نماز بعدی حالت آرامش ، سکون و لذتش رسیده و تامينشان می‌کند و لذا یکی از راحت‌ترین راهکارهایی که اسلام عزیز برای ایجاد آرامش ارائه داده ، نماز است ؛ این تازه یکی از فواید آن است و شما ببینید همین آرامش بدست‌آمده چقدر در زندگی انسان تاثیرگذار است ؛

فرض کنید فردی با همسرش درگیر شده و دراین بین ، مشاجره ای هم صورت گرفته باشد ؛ گله‌گذاری و حتی اشک و آه ؛ حال موقع نماز می‌شود ؛ یکی از طرفین بلند می‌شود نمازش را می‌خواند ؛ حالا یا داخل منزل و یا می‌رود مسجد ؛ اگر خود این فرد ، بعد از نماز نگاه به حال خودش کند می‌بیند چقدر حالش عوض شده و بعد برمی‌گردد به منزل ؛ می‌بیند چقدر ظرفیتش بیشتر شده ؛ برای ایرادها و انتقاداتی که انجام شده و می‌شود و حتی برای ناسازهای جدید احتمالی طرف مقابل ؛

این پدایش ظرفیت چه تأثیری در زندگی انسان دارد و چقدر ما برای آن هزینه کرده‌ایم ؟! که تازه این گوشه‌ای از ابعاد مختلف این امر بوده و مربوط به آرامش انسان است ؛ حالا این آرامش و امواج صادره از آن برمی‌گردد به فرزندان ، دوستان ، همسایگان و همکاران ؛ یعنی با همین نماز خواندن وقتی انسان برمی‌گردد و با چند نفر مواجه می‌شود ، خود به خود این موج آرامش را انسان می‌بیند به چند نفر می‌رسد ؛ که اگر فرد این عمل نماز خواندن را ادامه دهد (ولو اگر هیچ‌کس نماز نخواند) در زندگی اش موجی نسبی از آرامش ایجاد می‌شود ؛ بالاخص اگر ما نمازهایمان را در پنج نوبت (و جدا جدا) بخوانیم ، چه معدلی از آرامش بدست می‌آید ؟!

مرحوم آیت‌الله بهجت (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند استاد ما مرحوم آیت‌الله قاضی (اعلی الله مقامه) فرموده بودند اگر انسانی بر نمازهای پنجگانه اش مراقبت کند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعنت کند ؛ این ادعا خیلی مطلب بزرگی است ؛ حال کسی از مرحوم آیت‌الله بهجت (رضوان‌الله‌علیه) می‌پرسد منظور ایشان نماز با حضور قلب است ؟!

ایشان می‌فرمایند خیر ؛ در عبارت مرحوم آقای قاضی (رضوان‌الله‌علیه) مطلق نماز را فرموده‌اند و اشاره‌ای به حضور قلب نشده است ؛ یعنی هر کس نمازهای پنجگانه اش را در اول

وقت و در پنج نوبت بخواند (ولو با کمترین اطلاعات ، بینش ، تقوی و حضور قلب) بتدریج به آن مقامات عالیہ می‌رسد!

حال اینکه چه اتفاقی می‌افتد ، خودش خیلی جای بحث و تفکر دارد و جا دارد مؤمنین و فعالان فرهنگی روی آن فکر کرده ، آنرا تحلیل نمایند .

فرض کنید کسی مقید باشد در پنج نوبت نمازهایش را بخواند ؛ همان آرامشی که در یک وعده نماز بدست می‌آید ، گویا آن را پنج برابر کرده باشد ؛ یعنی درصد موفقیت در عرصه زندگی‌اش پنج برابر شده است ؛ درصد آرامش ؛ درصد حل اختلافات ؛ درصد بالا بردن ظرفیت‌های درونی خود و

گاهی چیزی را گم کرده‌ایم و یا چیزی را فراموش کرده‌ایم و یادمان نمی‌آید ؛ اما همین که مشغول نماز می‌شویم یادمان می‌آید (و این تجربه‌ای است که بسیار شنیده‌ایم و برای بسیاری از مردم مؤمن پیش آمده است) ؛ چرا که نماز ، ظرفیتی است برای تفکر آزاد و رها ؛ تفکر دقیق و آسان ؛ که نوعاً بسیاری از ماها از این ظرفیت بدرستی استفاده نمی‌کنیم . در حالیکه اگر بخواهیم در بسیاری از مسائل یا راهکارها به نتیجه برسیم ، باید بتوان از این ظرفیت بالقوه نماز استفاده کرد.

نقل مشهوری است از جناب ابوعلی سینا (رضوان الله علیه) که می‌گفت وقتی در مسائل علمی گیر می‌کردم ، می‌رفتم مسجد و دو رکعت نماز بجا می‌آوردم و بعد از نماز ، مسئله حل می‌شد و یا به راهکار لازم می‌رسیدم (!) ؛ این می‌رساند چنین دستور مؤکد اسلامی ، ظرفیتی فراموش شده یا مورد غفلت واقع شده است و گمان می‌کنیم چنین دستوراتی متعلق به دین کهنه‌ای مربوط به هزار و چهارصد سال قبل است و هیچگونه خاصیتی ندارد ؛ در حالیکه اگر کسی بر ابعاد مختلف آن کار کند ، چه بسا دانشمندان ریاضی ، فیزیک ، شیمی و ... هسته‌ای بتوانند بعد از نماز (اگر اصول ، مقدمات و مؤخرات را رعایت کنند) به خیلی از مسائل جدید برسند.

البته این مسائل را در سطوح بعدی بیشتر و بهتر مورد مذاقه قرار خواهیم داد ؛ تا بتوانیم این ظرفیت و فرصت عظیم نماز را بهتر درک کرده و بیشتر از آن استفاده کنیم؛ ان شاءالله.